

آزادی

مسکن

کار

استبداد جمهوری اسلامی برپا شد و به وحشیانه ترین شکل سرکوب شد. در آبان ۹۸ قریب هزار و پانصد نفر با تیر مستقیم جلادان رژیم در خون غلتیدند و هزاران نفر بازداشت شدند. اینک این رژیم پلید میخواید با قربانی کردن یک به یک این اسرا و وحشت آفرینی، خود را از چنگال انتقام توده ها برهاند و مرگ محتوم خویش را به تعویق اندازد. جوانان دلیر و مبارز، میبایست با تمام توان در برابر این رژیم جانی و فاسد بایستیم و نگذاریم با فراغ بال دهه شصت دیگری بیافریند کسانی که در اسارت رژیمند یاران و عزیزان ما هستند به هر طریق ممکن به یاریشان بشتابیم، فریاد آزادی آنها و مرگ این رژیم خونریز و غارتگر را در هر کوی و برزن سر دهیم، مطمئنا در برابر اراده توده های متشکل و متحد و بیا خواسته رژیم با تمام مزدورانش یارای ایستادگی و مقابله ندارد. زمان آن رسیده که کابوس رژیم را به واقعیت تبدیل کنیم.

در مقابله با سیاست تشدید سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی بایستیم.

کارگران و زحمتکشان، مردم آگاه و مبارز

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در حساس ترین روزهای عمر خود به سر میبرد و عملا توان خود را در مهار بحران اقتصادی از دست داده هراسان از قیام میلیونها گرسنه در ماههای آتی و که سران و کارگزاران رژیم پیش بینی آن را میکنند، تصمیم دارد با درنده خویی و ایجاد رعب و وحشت مانع به خیابان ریختن توده های درمانده و عاصی از این همه فقر و بی عدالتی و فساد گردد بدین منظور بار دیگر خبیثانه احکام اعدام برای سه جوان تهرانی و هشت جوان اصفهانی که در اعتراضات آبان ۹۸ و دی ۹۶ دستگیر شده اند، کرده است. اعتراضاتی که برای فقر و بیکاری و گرسنگی و غارتگری سرمایه داران و

کرونا نعمت است!

فرصت طلبان را بهتر بشناسیم

سیر دیگر گونه ی « هنر »

در عصر ما

نکته ای که همیشه جمهوری اسلامی را از دیگر رژیمهای دیکتاتوری متمایز میکند رفتار فرصت طلبانه آن در استفاده از تمام مصائب و بلاها به نفع تثبیت خود است جنگ، سیل، زلزله، اپیدمی های مهلک در طی این سالها هر کدام جان تازه ای به رژیم داده اند. جنگی که بوجود آورنده اصلی آن سیاست های توسعه طلبانه ای بود که خمینی مروج آن بوده و برای توده ها فقط مرگ هزاران نفر و ویرانی شهرهای بسیار و آوارگی میلیونها نفر را به همراه داشت، برای جمهوری اسلامی بدل به « نعمت » شد چرا که رژیم توانست با به کار گیری بهینه معجون مذهب و ناسیونالیسم هشت سال جنگ ارتجاعی را به محملی برای سرکوب و خفه کردن هر صدای مخالف به کار گیرد و بر عمر خود بیافزاید.

ایران امروز عرصه نبرد نابرابری است که در یک سوی آن رژیم دمدنش و جانی جمهوری اسلامی به نمایندگی از سرمایه داران غارتگر و برای حفظ منافع آنها، با تمامی امکانات و تجهیزات و ثروت غارت شده توده ها قرار دارد و سوی دیگر کارگران و زحمتکشان و خیل عظیم محرومین و گرسنگان غوطه ور در فقر و فلاکت و بی کاری و بی خانمانی و استیصال قرار دارند که برای رهایی از این همه بی عدالتی و ستم طبقاتی، تمام داشته های خود را که جز تنی رنجور با یک دنیا رنج و محنت چیزی نیست به میدان آورده اند. در این نبرد نابرابر، کارگران و توده های زحمتکش که چیزی برای از دست دادن ندارند و برای تمام نداشته هایشان به میدان آمده اند هراس بزرگی به جان سرمایه داران که برای حفظ ثروت و داراییهای غارتی خود میجنگند، افکنده اند.

هنر برای انسان از ابتدا وسیله ای بوده برای بیان واقعیت پیرامونش. از همان ابتدا ابزاری شد در خدمت خلق ها و توده، مثل نقاشی های روی دیوار غارها که حیوانی را که قرار بود شکار شود نقاشی می کردند تا روح او (به گمان خودشان) به تسخیر درآید و به گاه شکار آسانتر به دام افتاد و یا نتاثر: از آئین های اولیه ی بشر ابتدائی زاده شد، آنجا که نمادها و نشانه ها را به حرکت در می آوردند، و رقص ها و حرکات نمایشی ترتیب می دادند، تا باران ببارد، تا خورشید بیاید، تا زمستان برود، تا بهار را فرا بخوانند، تا خاک را دعوت به باروری کنند. هنرها از نیازهای بشر ابتدائی زاده شد که راز فصل ها را نمی دانست و طبیعت را بیگانه ای خشمگین می دید، انسان با زبان هنر با او بسخن در آمد.

ادامه در صفحه ۴

ادامه در صفحه ۲

ادامه در صفحه ۳

بیانیه و فراخوان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در مقابله با تشدید

سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی

در صفحه ۶

فساد مشخصه بارز تمامی رژیمهای دیکتاتوری

در صفحه ۷

اطلاعیه مشترک شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم!

در صفحه ۷

در صفحه ۵

بقاء به هر قیمتی شعار جمهوری اسلامی

سرنگون باد جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

فرصت طلبان را بهبتر بشناسیم

مسعود

ادامه از صفحه اول

... به همراه همه ابزار سرکوب و کشتار که رژیم سرمایه داران از توسل به آن لحظه ای تردید نمیکنند، فریب و نیرنگ و به انحراف کشیدن مبارزات توده ها یکی از مهمترین حربه هایی است که به کار میبرند. بی هیچ تردیدی تنها راه رهایی از فقر و بیعدالتی و استبداد تنها راه آزادی و برابری برچیدن بساط غارتگری و چپاول سرمایه داران است به زیر کشیدن رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت کارگران است ولی به زیر کشیدن رژیم به منزله برچیدن بساط سرمایه داران نیست، سرمایه داری همواره در پی آن است که مهره ها و جریانات خود را بر موج اعتراضات توده ها مسلط کند، فریب و نیرنگ و به انحراف کشیدن مبارزات توده ها یکی از مهمترین حربه هایی است که برای حفظ و بقاء سلطه خود به کار میبرد و بدین منظور میکوشد با پرورش افراد و جریانات مختلف به ظاهر وجیه المله و آزادیخواه و برابری طلب و رسوخ آنها در بین توده ها و ایجاد شکاف و تفرقه در بینشان به نتیجه مطلوب دست یابد. در برهه ای عده ای که خود شریک در اعمال جنایتکارانه رژیم هستند اصلاح طلب میشوند و شعار اصلاح و بازگشت به دوران طلایی خمینی جلاد را سر میدهند. همزمان عناصری دست پرورده دستگاههای امنیتی رژیم راهی دیار فرهنگ میشوند در بین اپوزسیون گفتمان مضحک انجام رفرا ندیم برای تغییر را براه میاندازند و از رژیم میخواهند به انجام آن مبادرت نماید یعنی بر علیه خودش رفرا ندیم برگزار کند! . به یکباره در اوج اعتراضات خیابانی توده ها چند نفر نبش قبر میکنند، سلطنت طلبان جان میگیرند و یکی از مدعیان کسب قدرت میشوند گویی گذشت چهل سال برای تطهیر سلطنت کافی بوده و حال آنها میتوانند ناجی مردم باشند و وطن بلا زده میراث کورش را نجات دهند. گروهی دیگر که به طور کلی خود را تافته جدا بافته از کل اپوزسیون

پیروز و پرتوان باد مبارزه متحد و متشکل کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران و زحمتکشان، کارگران نیشکر هفت تپه از روز دوشنبه ۲۶ خرداد ۱۳۹۹ برای رسیدن به خواست ها و مطالبات بر حق خود در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند. در این شرایط که مافیای قدرت و ثروت از راه تشدید استثمار، غارت و چپاول و دزدی و اختلاس به ثروت های نجومی دست مییابد و در شرایطی که کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود ماه ها سرگردان و در نهایت اعتراضات و اعتصابات شان با زندان و سرکوب مواجه میشوند، اظهار همدردی و اعلام محکومیت چیزی را تغییر نمیدهد، باید از طریق دست زدن به اعتصابات و تجمع و تظاهرات، از کارگران هفت تپه و خواست ها و مطالبات بر حق آنها پشتیبانی عملی صورت گیرد. حمایت از کارگران هفت تپه یک وظیفه انسانی و انقلابی است.

شود برای آن هم راه چاره جسته اند، چه بهتر جریاناتی تحت نام کمونیسم این رسالت را بر عهده گیرند که در حله اول با برجسته کردن شعارها و خواسته های ابتدایی مانند کمپین بوسه آزاد، کمپین روسری سفید و چهارشنبه های سفید، کمپین کار کودکان ممنوع، کمپین علیه اعدام و موارد اینچنینی کمپین بازی که برای جوانان از جذابیت برخوردار است اولاً با شقه کردن حرکت های اعتراضی توده ها و تنزل آن به خواسته های ناچیز و کم خطر که مورد پسند جریانات بورژوازی هم باشد، چنین الغا کنند که میتوان از این رژیم درنده این مطالبات را گرفت و در ثانی این باور را ترویج کنند که همه این حقوق ابتدایی انسانی در گرو جمهوری اسلامی است نه مناسبات فاسد و ضد انسانی سرمایه داری حاکم بر ایران و کمونیسم تنها به دنبال این حقوق تضحیح شده است، در نوشته ها و سخنرانی هایشان مرتب الغا میکنند که فرهنگ وهنرو موسیقی و فیلم و کلیه روابط انسانی و اخلاقی جوامع غربی ارزشمند و پیشرفته است، مناسبات فرهنگی و اخلاقیی که کاملاً آگاهانه و عمدانه پوچ گرایی و بی انگیزگی و خود خواهی و بی توجهی به مشقات و مصایب زندگی دیگران و دم غنیمتی زندگی کردن را ترویج میکند. این جریانات که بعضاً خود را ملقب به کمونیسم آنهم از نوع کارگری! کرده اند آگاهانه این هدف سرمایه داران را دنبال میکنند که کمونیسم انواع مختلف دارد و نوع مرغوبش از آن آنهاست و هر آنچه آنها میگویند عین کمونیسم است و هوشمندانه میکوشند این باور علمی را تخطئه کنند که

جمهوری اسلامی میدانند در حالیکه در بخشی از مصائب بیار آمده بر سر این مردم مسئولند از همان ابتدا خود خواهانه و کوتاه فکرانه با اسلامی بزک شده و امروزی یک تنه رئیس جمهور انتخاب کردند و دولت تشکیل دادند و ارتش به پا کردند و راهی وطن شدند تا آن را نجات دهند ولی با به جا گذاشتن انبوه کشته ها همچنان در حسرت قدرت میسوزند و رژیم به اقتدار خود می نازد. سرمایه داری هیچگاه برای حفظ بقاء خود از تک وتا نمی افتد و همیشه به فکر بعد از جمهوری اسلامی است، تمام این جریانات گزینه هایی هستند تا در اوج گیری اعتراضات توده ها و گسترش قیام و ناتوانی رژیم در مهار آن ناجی سرمایه داری ایران شوند و از سرایت اثر قیام توده ها به بنیانهای سرمایه جلو گیرند. نکته اصلی این است آنچه سرمایه داران را به وحشت می اندازد فقط قیام کارگران و زحمتکشان و گرسنگان و حضور پیشروان آنها انقلابیون کمونیست در بین شان است، تنها نیرویی که در صورت هوشمندی و درایت و اتحاد میتوانند سازمانده و هدایت گر قیام توده ها باشند تا نه فقط حاکمیت سیاسی سرمایه بلکه مناسبات اقتصادی سرمایه داری مورد تهاجم و تغییر قرار گیرد. تمام این اپوزسیون سازی ها فقط برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و کمونیستها در بین توده هاست، البته به خوبی میدانند واقعیتهای اقتصادی و اجتماعی آنچنان قدرتمند است که جریانات ورشکسته اصلاح طلب، ملی گرا، سلطنت طلب، اسلام رحمانی بی طبقه توحیدی و غیره هیچکدام از کارایی لازم برخوردار نیستند و باید کمونیسم از درون دچار آفت و انشقاق

فرصت طلبان را بهتر بشناسیم

سیر دیگر گونه ی "هنر" در عصر ما

شیرین فضیلت کلام

کمونیسم تنها جایگزین محتوم نظام پوسیده و رو به اضمحلال سرمایه داری است و سوسیالیسم مقدمه رسیدن به آن و کارگری و غیر کارگری نامیدن آن جز فریبکاری و تشتت در بین کارگران و توده ها هدفی را دنبال نمیکند. جریانات این چنینی میکوشند سیاست گوشت دم توپ سازی را به کار گیرند، از جسارت و شور و هیجان جوانان استفاده میکنند و با براه انداختن فعالیت علنی در جنبش کارگری و بخصوص فضای مجازی علاوه بر این که با ایجاد تصنعی بااصطلاح تبادل افکار و اطلاعات در بین جوانان چپ و کمونیست در اصل تشتت افکار و خود محوری را دامن میزنند و با شناساندن افرادی که قابلیت بیشتر دارند آنها را به سیل روز مبادا رژیم بدل میکنند. تاریخ چهل ساله رژیم نشان داده هر گاه در شرایط استیصال و درماندگی کامل قرار گیرد به مانند سال شصت موج دستگیری های فله ای را به راه میاندازد تا سیاست سرکوب را به بهترین وجهی به اجرا گذارد «چو دزدی با چراغ آید گزیده تر برد کالا» همانطور که در آبان ۹۸ با دستگیری قریب به هشت هزار نفر چشمه کوچکی از آن را به نمایش گذاشت، فعالیت علنی بخصوص در فضای مجازی و در درون جنبش کارگری نه تنها هیچ تاثیر مثبتی در رشد مبارزه کارگران و توده ها بر علیه نظام سرمایه داری و رژیم کارگزارش نداشته بلکه ماشین سرکوب آن را کارا تر کرده و فقط نام جریان مروج این حرکت به یمن قربانی شدن عده ای از جوانان پرشور، بر سرزبانها افتاد تا این توهم به وجود آید تنها گزینه بعد از جمهوری اسلامی آنها هستند. فرصت طلبان در هر رنگ و نامی مهمترین عامل در عدم توفیق و شکست مبارزات کارگران و زحمتکشان و توده های مردم بوده اند، بر ماست که هوشیار باشیم و با معرفی و افشاء فرصت طلبان ستون پنجم سرمایه داری در اردوی کار، گام مهمی در این پیکار سرنوشت ساز برداریم. در باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

ادامه از صفحه اول

... آگاهی بشر و شناخت از طبیعت و پیشرفتش، او را از ستایش زمین و درخت و آسمان بی نیاز کرد و رقص و آئین ها و نقاشی ها بعنوان خلاقیت و زیبایی برای آدمیان ماند اما باز هم در بیشتر موارد هنر در خدمت انسان ها و جوامع انسانی بود هنر پیشه ها دوره گردی میکردند و نقاش ها بر درها و دیوارها می کشیدند، مجسمه سازها می ساختند و فاصله ای با توده ی مردم نداشتند. از آنجا که مالکیت خصوصی به همراه وسایل تولید پیشرفت کرد و سرمایه انباشت شد و عده ای خاص مرحله به مرحله صاحب و مالک همه چیز شدند، هنر فرمایشی و مزدوری هم مثل انسان، برده ی پول و زور و سرمایه شد و هنر تقسیم شد: هنر متعهد و هنر فرمایشی و غیر متعهد، هنری که در میان طبقه فرودست جامعه ماند و چون گذشته ابزاری بود برای خلق ها که از الام رنج ها و شادی ها بگوید و زیبایی را در هم آوایی و همسانی خلق کند و هنری که خریده شد و عقیم شد تا در خدمت مالکان و ظالمان، تهی از معنی، صرفا سرگرم کند و بخنداند، شکوه و جلال و بزرگی در و دیوار و سنگ صاحبان آنها را بستاید. و اینگونه شد که هنر سیری دیگرگونه را آغاز کرد.

و اینک هنر در این جغرافیا

هنر در ایران مثل تمامی جوامع سرمایه داری در خدمت بورژوازیست و دیگر توده نقشی در آن ندارد و آنرا رنگ و لعاب زده اند، لباس فاخر پوشانده اند و میان قاب های طلایی برای فخر فروشی دست به دست می کنند. نقاشی های چندین میلیون دلاری، مجسمه های طلایی و سالن های مجلل تئاتری، سینمای چند بعدی و هنری که دیگر هنر صنعتی است بی مایه، عقیم و الکن. بیانیید سری به تئاتر و سینما و تلویزیون بزنیم البته تلویزیون که نه، تلویزیون بعنوان قدرتمندترین رسانه تبلیغی تمام و کمال در دست قدرت هاست و از یک پادگان و ارگان نظامی حائز اهمیت تر.

سینما که روزی زیبایی و هنر را هنوز می توانستیم در آن ببینیم، نیز از این گزند در آمان نمانده، از ابتدای فضای بازی و هنرپیشگی که شهرت و چهره شدن بدنبال دارد میتوان قصه ها و داستان های تراژیک نوشت که انسان به حال خود زار بگرید، تا مافیای تهیه کنندگان و گیشه ها و زد و بندها و امکانات و پول... (بیضائی در فیلم "وقتی همه خوابیم" تا حدی به این ابتذال اشاره می کند).

متأسفانه باید از تئاتر هم با همین یاس و ناامیدی یاد کنیم، تئاتر فاخر در سالن های آنچنانی و بلیت های با قیمت های گزاف، تئاتر های بالای شهری که روشن فکر کافه نشین سیگار به لب در ظاهر به غم توده اسیر آنرا کارگردانی می کند، تئاتر های که اگر با یک چهره و ستاره اجرا شوند ضمانت و گارانتی است برای گیشه ای پر و فروش عالی.

اما چه کسانی بر صندلی های این تئاتر می نشینند؟ در این اوضاع و احوال کیانند که بلیت های ۲۰۰ و ۳۰۰ هزار تومانی می خردند و یک ساعت به تماشای چهره ای که روی پرده های سینما دیده میشد و اکنون بر صحنه است، می نشینند؟ کدام طبقه وقت و هزینه آمدن به این سالن ها را دارد؟

این تئاترها بروی صحنه چه می گویند؟ از کدام دغدغه حرف می زنند؟

بباید فکر کنیم حتی گاهی هم از فقر و فلاکت و بدبختی بگویند که گریبان توده ی کف خیابان را گرفته، برای آن بورژواها و خرده بورژواها که بروی آن صندلی ها نشسته اند فقر دیگران هم بخشی از زیبایی های زندگی است که میتوان با آن وقت گذراند. آن عکاس را بخاطر می آورید که انتظار آن کرکس را عکاسی کرد، تا کودکی از گرسنگی بمیرد و او غذا بخورد.

هنر میتواند مثل خیلی چیزهای دیگر در جهان سرمایه داری هیولائی باشد، ابزاری برای خودنمایی، ابزاری برای برتری جوئی. میتواند آری میتواند، و باید بگویم هنر در ایران (بطور اخص تئاتر و سینما) تبدیل به چنین هیولائی گشته است.

کرونا نعمت است!

از صفحه اول

...هر زلزله ای سیل مسئولین دلسوز! و خدمتکار را راهی مناطق زلزله زده برای دادن وعده های پوچ و سلفی های فراوان میکند و به دنبال آن مزدوران سپاه تحت لواء کمک به زلزله زدگان و در اصل جلو گیری از هر اعتراضی وارد عمل میشوند. سیلها هم با اینکه در اغلب موارد دستگاهها رژیم زمینه آن را فراهم میکنند مانند سیل شیراز که ساخت و ساز غیر مجاز شهرداری مسیل را بسته و موجب سیل شد یا در گلستان که نخست تخریب جنگل و قطع درختان به قصد سود بری توسط باند فرزندان ائمه جمعه گلستان و مازندران و عدم لایروبی رودخانه توسط سازمان جنگلها و مراتع به دلیل اختلاس بودجه و احداث جاده غیر اصولی توسط سپاه، آن سیل ویرانگر را به بار آورد، امکان خوبی را برای بهره برداری رژیم فراهم میآورد تا از این مصیبتها در جهت تحت الشعاع قرار دادن اخبار روز و جمع کردن عده ای به دور خود، بلای وارده بر مردم را به نعمتی برای خود بدل کند. شیوع بیماری کرونا در چین هم ناجی رژیم شده. از همان آغازین روزهای شیوع این بیماری رژیم به استقبال رفت و طبق قراین و شواهد موجود از اوایل دی ماه هواپیمایی ماهان کرونا را به همراه مسافران چینی به ایران آورد تا برای رژیم که تازه از سرکوب سخت شورشهای آبان ماه و

کارگران و زحمتکشان، هموطنان آگاه و مبارز

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در اوج استیصال و درماندگی در تدارک است با براه انداختن قتل عام فرزندان دلیران در زندانها و ایجاد رعب و وحشت، جلوی شورش گرسنگان که خواب را از چشمانش ربوده اند، بگیرد. رژیم ابلهانه می پندارد ارباب میلیونها انسان گرسنه و جان به لب آمده ممکن است، غافل از اینکه هر چه ددمنشی نشان دهد خشم و کین و عزم و اراده ما را عمیقتر میکند و ما نیرومند تر میشویم. بپا خیزیم و با فریاد "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" ناقوس مرگ رژیم را به صدا درآوریم.

مرگ بر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری فدراتیو شورایی
زنده باد سوسیالیسم
کمیته ایالتی تهران

مرتب هشدارهای بهداشتی و فاصله گذاری اجتماعی را شعار میدهد و شیوع دوباره این بیماری را به گردن توده های گرسنه و بی پول و مستاصل میاندازد که پروتکل های بهداشتی را رعایت نمیکنند در حالیکه حتی در تامین ماسک هم ناتوان است و ماسک تبدیل به کالای پرسود شده و بعضی ها را یکشنبه به نان و نوایی رسانده و بر سبد هزینه های غیر قابل تامین میلیونها انسان زیر زیر خط فقر ماسک و وسایل بهداشتی و تامین هزینه های درمان در صورت ابتلا افزوده شده جمهوری اسلامی هم کمترین اهمیتی به مصیبتی که بر سر این مردم وارد کرده نمیدهد فقط رئیس جمهورش که سه ماه پیش اعلام کرده بود تا شنبه این مشکل رفع میشود اکنون با شعفی که در وجودش به غلیان درآمده از مردم میخواهد خود را برای زندگی با این بیماری برای سال آینده هم آماده کنند چرا که حتی مرگ دو میلیون نفر هم بهتر از به خیابان ریختن سی میلیون گرسنه است.

اعتراضات به قتل عمدی سرنشینان هواپیمای اوکراینی فارغ شده بود زمان تنفسی بوجود آید و بتواند انتخابات مجلس را برگزار کند، شرایط ملتهب جامعه بعد از شورشهای آبان که مانند آتشی زیر خاکستر هر آن ممکن بود با تشدید روز به روز بحران اقتصادی شعله ور شود به شدت رژیم را هراسان کرده بود، ورود کرونا و جو نگرانی و هراس از این بیماری در جامعه که رژیم بعد از انتخابات اعلام علنی و مانور روی آن را در دستور قرار داد، ناجی رژیم شد و تا به امروز جمهوری اسلامی تمام تلاشش را به کار بسته تا این بیماری را مانند شمشیر دموکلس بالای سر جامعه نگاه دارد، از یک طرف به دلیل ناتوانی در تامین ابتدایی ترین نیازهای توده ها بعد از مدت کوتاهی تعطیلی تمام محدودیت های قرنطینه ای را برداشته و همه را برای کسب لقمه نانی راهی خیابانها کرده در حالیکه به خوبی میداند این اقدام موجب شیوع بیشتر بیماری میشود و از طرف دیگر وقیحانه

بقاء به هر قیمتی شعار جمهوری اسلامی

بیش از چهل سال از عمر جمهوری اسلامی میگذرد. چهل سالی که برای توده ها جز فقر و فلاکت و نیستی و تباهی به ارمغان نیاورده چهل سالی که طی آن جمهوری اسلامی حتی ابتدایی ترین معیارهای اخلاقی و انسانی و حقوقی مورد قبول سرمایه داری را هم بر نتابیده، چهل سالی که رژیم از هیچ گونه ردالت و پستی و جنایتی برای بقاء خود فرو گذار نکرده است. چهل سالی که رژیم بر مبنای شعار " حفظ نظام از اوجب واجبات است " هر آنچه خواسته کرده است و اینک که به بن بست رسیده و به قول " نوبخت " کفگیر بودجه به ته دیگ خورده، حسابها بسته، پولها بلوکه شده، کسب و کارها تعطیل، سرمایه ها فراری، بیکاری و تورم وحشتناک خطر شورش سی میلیون گرسنه، همه اینها و مهمتر تامین چند هزار سر اراندل و اوباش جانی نان خورش در داخل و منطقه که اینک تنها به آنها به عنوان ضامن حفظ امنیت خود امید بسته اند موجب شده کاسه گدایی به دست گرفته و در چهار گوشه عالم به دنبال پول دوره افتند، صندوق بین المللی وام کرونیایی آنها را نداد، کشورهای اروپایی پولهای بلوکه شده را آزاد نکردند، چین و هند فقط حاضرند کالاهای بنجل خود را که آنها به شرطه ها و شرطه ها بدهند، کره جنوبی هم به پارس کردنها و تهدید هایشان کمترین اهمیتی نداد، حتی عراق هم پول گاز خریداری شده را فقط به دینار عراقی انهم در صورت خرید مایحتاج از بازار عراق به تاجر عراقی میپردازد، حداقل 27 میلیارد دلار هم صادر کنندگان کالا (تولید صنعتی ایران عمدتا تعطیل شده فقط صیفی جات و مرغ و دام زنده و کشتار شده و میوه جات که جز ارزاق عمومی مردم است، اقلام صادراتی ایران را تشکیل میدهد آنها فقط به عراق و اقلیم کردستان و افغانستان مقداری هم ترکیه) به داخل باز نگردانند. اسف بارتر اینکه جریمه های دادگاههای بین المللی نفتی و دادگاههای ورزشی و طلب تامین دیه بابت سالها جنایت از طرف دادگاههای آمریکا و کانادا و دیه قربانیان جنایت فجیع ساقط کردن هواپیمای اوکرایینی توسط سپاه، هم مزید بر این

بحران شده تا این جانیان خلاقیت به خرج دهند و راه چاره بیاندیشند. همچون سلاطین صاحبقران دست به دامن چین شده اند و منابع طبیعی و بخشی از جغرافیای ایران را در طبق اخلاص پیشکش چین کرده اند. اقدامی که دو سال قبل با رفتن لاریجانی به عنوان نماینده رهبر به چبن کلید خورد ولی تا امروز پیشرفت چندانی نداشت (به گفته عضو کمیسیون امنیت مجلس این قرارداد پیشنهاد ایران به چین بوده) اینک با امتیازات مخصوص 34% تخفیف برای نفت، عدم دریافت مالیات تا دوسال، واگذاری بخشی از بنادر و جزایر جنوب، اجازه وارد کردن نیروی کار و نیروی امنیتی توسط چین و موارد بسیار دیگر که هنوز آشکار نشده دوباره به جریان افتاده. اصل سرمایه گذاری بیست و پنج ساله بر خلاف شارلاتانیسم تبلیغاتی اصلا برای رژیم اهمیتی ندارد بلکه زمان حال مهم است و کسب پولی برای امور روزمره از فروش نفت با 34% تخفیف و بس، حتی برای خوش خدمتی بخش بزرگی از سواحل دریای عمان را به قیمت فلج کردن و خانه نشین شدن صیادان بلوچ و جارو شدن کف صید گاهها نزدیک به دو سال تقدیم کشتی های صید ترال چینی کردند، تمام بازار داخلی را انباشته از کالاهای چینی کرد ند به طوریکه از شیر مرغ تا جان آدمیزاد چینی در بازار ایران به وفور یافت میشود، ولی تا امروز چینها هنوز رو خوش آنچنانی به این هم چاپلوسی و التماس نداده اند. شرط بندی روی اسب مرده کار ابلهان است و این چیزی نیست که چین دنبال میکند. واقعیت این است رژیم رسوای جهان شده و ورشکستگی و گذشتن تاریخ مصرف آن بر همگان عیان گشته، بن بست اقتصادی و سیاسی و نظامی رژیم ناقوس مرگش را به صدا درآورده ولی سران مستاصل و بی پناه! رژیم مانند غربی به هر ریسمانی چنگ میزنند تا خود را نجات دهند.

روز سه شنبه 24 تیر ماه، شعبه یک دادگاه رژیم در سندانج زهرا محمدی را به اتهام "تشکیل دسته و گروه علیه نظام" به 10 سال زندان محکوم کرد. محکومیت زهرا محمدی در حالی است که نه دادگاه و نه نهادهای امنیتی رژیم هیچ سندی مبنی بر اثبات اتهام زهرا محمدی را در دست ندارند.

مبارزه با شوونیسم و برتری طلبی نژادی و ملی، یکی از وظایف مهم کمونیستها و همه افراد و نهاد های سیاسی دموکرات و آزادیخواهی است که مخالف پامال شدن حقوق ابتدائی انسانها می باشند.

ایران یک کشور کثیر المله است و کسی نمیتواند این ویژه گی ایران را که کشوریست محل اسکان ملیتهای مختلف، ترک، فارس، کرد، بلوچ، ترکمن و عرب و غیره انکار کند. و ستمی که در طول سالیان متمادی بر این ملیت ها روا شده است نیز غیر قابل انکار است. بغیر از تضييقات و تبعیضات اقتصادی و سیاسی (به استثنای ملیت فارس) آنها از خواندن و نوشتن و حتی در مواردی از صحبت کردن به زبان مادری خود نیز محروم بوده اند، برای همین هم رفع این تبعیضات و ستم ها به یکی از نکات گریه مبارزه تبدیل شده و از خواست های مهم و اساسی دموکراتیک محسوب میگردد. بطوریکه امروز کسی نمیتواند نام خود را دموکرات و آزادیخواه بگذارد ولی از مردمی که کار میکنند، تولید میکنند و مالیات میپردازند و..... بخواهد که به هر دلیل و توجیهی این ستم را منحل شده و صدایش در نیاید.

اتفاقا موضع در برابر رفع ستم ملی و برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملل، معیار بسیار مهم و اساسی است برای شناختن دوستان و دشمنان آزادی. تا وقتی که در ایران مللی هستند که اینگونه در زنجیر اسارت به سر میبرند، استقرار آزادی و دموکراسی محلی از اعراب نخواهد داشت. تاریخ مبارزات صد ساله اخیر در ایران، مبین این واقعیت انکار ناپذیر است که هرگاه مردم زحمتکش ایران بپا خواسته اند تا کاخ ستم و استبداد را در هم کوبند، در این میان به محض اینکه ملتی خواسته از دست آورد مبارزاتی خود استفاده کرده و در تعیین سرنوشت خود دخالت داشته باشد، تحت عنوان «خطر تجزیه طلبی» مورد حمله قرار گرفته و از همانجا ریشه باز گشت استبداد، سرکوب و تداوم آن در سراسر کشور کاشته شده است. میشود گفت که ریشه های تاریخی استبداد و ارتجاع در ایران در همین اسارت خلفهاست و طبقه کارگر هم برای اینکه گریبان خویش را از مساله ملیت ها رها سازد ناچار است از مبارزه برای رفع ستم ملی به نفع آزادی خویش استفاده کند.



بیانیه و فراخوان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در مقابله با

تشدید سرکوب و اعدام زندانیان سیاسی

کارگران و زحمتکشان !

ایرانیان آگاه و مبارز داخل و خارج از کشور!

احزاب سازمانها و نهادهای مدافع آزادی و برابری !

صدور حکم اعدام یازده تن از دستگیرشدگان خیزش آبان 98 و بی جواب گذاشتن مطالبات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه که اعتصابشان وارد دوازدهمین روز خود شده است و صدور احکام زندان و شلاق و بیگاری برای 42 تن از کارگران آذربایجان، و اعلام علنی مسئولین قوه قضائیه مبنی بر سرکوب بیرحمانه اعتراضات مشابه آبان 98 پیش درآمد اجرای سیاست تشدید سرکوبگریهای رژیم جمهوری اسلامی است که ما پیش از این در این باره هشدار داده بودیم و اکنون این واقعیت مسلم بر همگان آشکار شده است.

مطالعید که در آبان سال 98 خیزش عظیم توده های محروم و جان به لب رسیده، جوانان بیگار، کارگران معترض حقوق های عقب افتاده، حاشیه نشینان بی شغل و بی سرپناه و معترضین به دزدی و اختلاسهای میلیاردی و ابستگان بقدرت، با سرکوب و کشتار ددمنشان رژیم مواجه شد. اما این کشتار و سرکوب نتوانست سکوت قبرستانی را بر جامعه حاکم کند و اعتراضات همچنان ادامه یافت. شیوع و پیوس کرونا هر چند در تداوم اعتصابات و اعتراضات وقفه کوتاهی ایجاد نمود، اما اقدامات نابردانه رژیم و ناتوانی آن در مقابله با تبعات شیوع گسترده کرونا از یکسو و نبود تامین اجتماعی و امکانات مالی مکفی و ناگزیری تلاش برای امرار معاش، خسارات جانی و مالی سنگینی را بر توده های زحمتکش مردم تحمیل کرده و آنها را تحت فشار اقتصادی و خسارات جانی و مالی بیشتری قرار داد.

در چنین شرایطی رژیم ناتوان از تامین حداقل معیشت مردم، از یکسو قرنطینه هارا برداشته و امور را بحال خود رها نموده است. و از طرف دیگر در هر اس از گسترش اعتراضات توده ای، سیاست سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه را تشدید کرده است. و تابه امروز نه تنها از تعداد جانبختگان و زندانیان و سربه نیست شدگان اعتراضات آبانماه آمار رسمی ارائه نداده است، بلکه علاوه بر اعدامهای مخفیانه و کشتارهای زیر شکنجه در زندانها، اکنون علنا شروع به صدور احکام اعدام و زندانهای طویل المدت درباره آنها نموده است. و همزمان بیدادگاه های رژیم فعالین کارگری و معترضین به حقوقهای عقب افتاده را به زندان و شلاق و سایر احکام قرون وسطائی محکوم میکنند. و علنا اعلام میکنند که هر اقدام اعتراضی را بشدت سرکوب خواهند کرد.

ما اطلاعات موثقی داریم که رژیم علاوه بر کشتارهای مخفیانه تاکنونی، صدور احکام اعدامها و زندانهای طویل المدت بسیاری را در دستور دارد. با تمام توان باید در سطح داخلی و بین المللی درباره اقدامات وحشیانه و انسان ستیزانه رژیم به افشاکری و مقابله پرداخت. ما از احزاب، سازمانها و تشکلهای کارگری، از سازمانها و محافل مدافع آزادیهای سیاسی و مخالف اعدام و زندان و شکنجه، جدا می خواهیم نسبت به اقدامات سرکوبگرانه و کشتار مخالفین در ایران اعتراض کنند. کمیته روابط بین المللی سازمان باید احزاب و سازمانها مترقی و انقلابی و تشکلهای کارگری و متحدین بین المللی خود را در جریان این سرکوبگریها قرار داده و از آنها بخواهد در این زمینه اقدامات جدی بعمل آورند و افکار عمومی کشور خود را از آنچه که در ایران بر سر طبقه کارگر، آزادیخواهان و مخالفین حکومت میاید، مطلع ساخته و اعتراضات آنها را نسبت به اقدامات سرکوبگرانه رژیم ایران برانگیزانند. ما همچنین فدائیان کمونیست در داخل کشور و همه فدائیان را که به آرمانهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه و انقلابی پایبندند فرامیخوانیم تا از طریق گفتگو و پخش شبنامه ها و تراکت ها در محل کار و زیست، به آگاهی و بسیج افکار عمومی در اعتراض به وضعیت موجود، یاری رسانند و بدون شک با مبارزه ای متحد در داخل و خارج کشور میتوان به ادامه سیاست سرکوبگرانه و ددمنشان رژیم مهار زد.

ما از تمامی فراخوانهای اعتراضی جریانات و انسانهای آزادیخواه و انقلابی حمایت میکنیم و ضروریست هر جا که هستیم در این اعتراضات شرکت نموده و سهم خود را در حمایت از زندانیان سیاسی و فعالین جنبشهای اجتماعی ادا کنیم.

شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

هفتم تیر ماه 1399

کارگران و زحمتکشان

دوستی و اتحاد ما کارگران ملل مختلف در نبرد مشترک ما بر علیه سرمایه داری حاصل میشود نه در نفی حقوق دمکراتیک یکدیگر. برای همین است که برنامه ما با در نظر گرفتن رشد تاریخی ملل ساکن ایران، تشکیل فدراتیو شورائی را هم شکلی از استقلال و هم شکلی از گذار به وحدت آزادانه و کامل پیشنهاد میکند. در جمهوری فدراتیو شورائی همه ملیتها حق دارند بدون قید و شرط تصمیم بگیرند که در صورت تمایل در نهادهای فدرال شورائی شرکت کنند و یا جدا شوند. فدراتیو شورائی شکلی از اتحاد است که خلفهای دارای حق تعیین سرنوشت بطور داوطلبانه به آن میپیوندند. فدراتیو شورائی درست نتیجه و برگردان درخواست ها و مطالبات و مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف است و آن قوانین، فرم ها و اشکالی را ثبت میکند که خود کارگران و زحمتکشان در جریان مبارزه و انقلاب بوجود میاورند. نمونه هایی که اشکال نطفه ای آن را در انقلاب مشروطیت و تکامل یافته تر آن را در قیام بهمن شاهد بودیم و اگر در آن موقع سطح رشد و تکامل جامعه و صف بندیهای طبقاتی مانع از آن شد که این تلاشها به استقرار اشکال حکومتی طبقه کارگر منجر نگردد. امروز با طرح و حل این مسائل باید امکانات نظری و عملی آنرا فراهم نماییم.

فساد مشخصه بارز تمامی رژیمهای دیکتاتوری

فساد مشخصه بارز تمامی رژیمهای دیکتاتوری است که در سایه نبود آزادی بیان و مطبوعات و رسانه های گروهی به راحتی در تمام ارکان حکومت رشد میکند و به دنبال آن به بخشهایی از جامعه سرایت پیدا میکند. جمهوری اسلامی هم از این فائده نه تنها مستثنی نیست بلکه سرآمد تمام رژیمهای مستبد و فاسد است، رژیم این سرآمدی را مرهون مذهب است که در طی این چهل سال به بهترین وجهی در خدمت توجیه اعمال شنیع و غارتگری های کارگزاران رژیم بوده به طوری که این مردان و زنان خداجوی با وجود آنکه در موارد بسیار در طی این چهل سال تشنت رسوایی شان از بام افتاده با وقاحت تمام همچنان تقدس خود را حفظ کرده اند، در اصل جمهوری اسلامی از مجموعه ای از باندهای مافیایی تشکیل شده که متحد در حفظ رژیم هر کدام بخشی از اقتصاد را در سیطره خود دارند و آب و خاک و ثروت این سرزمین را بین خود تقسیم کرده اند و هر آنچه در قالب دادگاههای مبارزه با فساد عیان میشود حاصل اختلاف و رقابت بین باندهاست که هر از گاهی عصری از باندی پا از گلیم خود فراتر میگذارد و وارد حوزه نفوذ باند رقیب میشود و منافع آن را تهدید میکند بالطبع باید نتیجه این خیره سری را ببیند البته خامنه ای به عنوان پدر خوانده شارلاتان این رژیم همیشه آماده است تا مانع تسری این دادگاه بازی ها به مهره های اصلی گردد، نمونه آن را در دیدار اخیرش با مسئولین قوه قضائیه شاهد بودیم که ضمن حمایت از دادگاه اکبر طبری صادق لاریجانی را میرا از هر گونه شائبه فساد بلکه پیشگام مبارزه با فساد معرفی کرد در حالیکه اکبر طبری به عنوان معاون مالی و اقتصادی صادق لاریجانی نوچه حلقه به گوش و محرم زد و بندهای مالی او بوده و صادق لاریجانی به یمن حمایت رهبر همچنان به عنوان یکی از علما اعلام وام دار رهبر در خدمت به رهبر عالیقدر جهان تشیع مشغول می باشد. حریم قدسی که منادیان دین با شارلاتان بازی و تزویر برای خود ساخته اند، در بین پاره ای از توده های متوهم همواره ناجی آنها در روبرو شدن با عواقب اعمال شان شده، رشوه خواری، باج گیری، زن بارگی، انحرافات جنسی، آدمکشی، پا اندازی و دلالتی محبت و ووو اعمال روزمره این عناصر کثیف است که با به چنگ آوردن قدرت بیش از چهل سال خدایی میکنند. فساد که تمام تار و پود رژیم را در بر گرفته، به بخشهایی از جامعه شیوع پیدا کرده و عملا همان مناسبات و روابط را در بین پاره ای از مردم رسوخ داده، وجود چنین ناهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی در خارج از دایره حکومت حریم امنی برای کارگزاران این رژیم فاسد فراهم آورده و به همین دلیل در این سالها با وجود فساد گسترده در تمام رده های حاکمیت همچنان حیانتش دوام آورده و هیچگاه نخواسته با این روابط و مناسبات مقابله کند، آنچه انجام داده تنها اقداماتی فریبکارانه برای مشغول کردن توده ها بوده و بس. مردم باید همچنان نظاره گر جولان این جانوران باشند تا مهدی موعود ساخته شده این حضرات از راه برسد و منجیشان شود و در باغ سبز بهشت را به رویشان باز کند علی الحساب با همین ها باید بسازند تا ببینند خدا چه میخواهد !!

جمهوری مفسدین اسلامی نابود باید گردد

کارگران پیشرو و مبارزین راه آزادی و

سوسیالیسم.

تلاش جهت وحدت جنبش کمونیستی یک وظیفه

مبرم است.

برای سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و

برقراری سیستم اقتصادی. اجتماعی نوین مبتنی بر

شوراها در یک جبهه انقلابی متحد شویم.

اطلاعیه مشترک شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم!

ماشین کشتار جمهوری اسلامی از بدو تولد تاکنون دمی از کشتار معترضان باز نایستاده است. در ادامه کشتارها اخیرا دستگاه قضایی بعنوان یکی از اصلی ترین عوامل این کشتار معترضین و دستگیرشدگان سالهای ۹۶ و ۹۸ را نشانه رفته است. بیش از ۱۲ تن از آنها تحت عنوان «مفسد فی الارض» به اعدام محکوم شده اند. و در روز دوشنبه ۲۴ تیر دو زندانی سیاسی به اسامی دیاکو رسول زاده و صابیر شیخ عبدالله را در زندان ارومیه اعدام کردند. امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی سه تن از دستگیرشدگان آبان ماه هستند که حکم اعدامشان تایید و به اجرا نزدیک شده است.

جمهوری اسلامی در چنگ بحران های متعدد و استیصال روزافزون درمقابل کارگران و زحمتکشان که در فقر و بی حقوقی دست و پا میزنند بوحشت افتاده و مثل همیشه جز کشتار معترضین راهی در مقابل خود نمی بیند. سالهاست که معجزه ترساندن و سرکوب آخرین ذخیره هایش را نیز شلیک کرده است. دیگر نمی توان با گلوله و زندان و اعدام پاسخ گرسنگی و فقری حقوقی و تبعیض را داد و آنرا به سکوت و ادرا کرد. بیکاران، کارگران و زنان و باز نشستگان بارها به خیابان آمده اند و تا پای جان ایستادگی کرده اند. علاوه بر کشتارهای تاکنونی هنوز خون تازه ۱۵۰۰ نفر در آبانماه بر سنگفرشها باقی است و هزاران دستگیری و صدها ناپدید شده نه تنها کسی را خانه نشین نکرده است، بلکه همه به روشنی می دانند که کابوس رژیم عروج مجدد معترضین است. دستگیری و زندانی کردن کارگران و احکام شلاق و اعدام گواه این وحشت از مرگ است. در تمام این مدت کارگران لحظه ای از اعتراضات خویش عقب نشینی نکرده اند و همچنان غول اعتراض مهیای خیابان است. اعتراض قدرتمند کارگران هفت تپه در سی و یکمین روز مبارزه پرشورشان، سرکوبگران را مجبور کرد، در کمتر از ۲۴ ساعت چهار فعال کارگری دستگیر شده را آزاد کنند. اعتراض گسترده و جهانی به حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی تحت نام "اعدام نکنید" فشاری را بر جمهوری اسلامی وارد کرده، که صحبت از بررسی مجدد پرونده آنها مطرح است. اما ترندهای این رژیم شناخته شده است. فشار و اعتراض گسترده تر و محکمتر هنوز لازم است تا مجازات اعدام به طور اساسی و حکم اعدام این سه نفر لغو شود.

شورای همکاری مجازات اعدام را عملی جنایتکارانه میدانند و همه آزادیخواهان را به مقابله علیه این اقدام غیر انسانی و برای رهایی همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی فرامیخوانند. از همه کارگران و زحمتکشان میخواهد بهر طریق ممکن در مقابل این احکام انزجار خود را اعلام و برای الغاء آن تلاش کنند. آزادیخواهان و نیروهای انقلابی و رفقای شورای همکاری: در هر کجا هستید در سازمانیابی اعتراض علیه این جنایات فعالانه شرکت و کوشش کنید.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

جولای ۱۵۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

**کارگران و زحمتکشان . هموطنان آگاه و مبارز
زمان سازمانیابی و برخوردن فرارسیده است.**

تحقق آزادی و برابری ، از بین بردن بیکاری و فقر و فساد و فحشا ، رفع معضل کار کودکان ، پایین بودن دستمزدها ، مشکل بیمه و بازنشستگی ، حل بحران آب و خشک شدن دریاچه ها ، نابودی جنگلها و محیط زیست ، حتی تامین ابتدایی ترین نیازهای روزانه زندگی، مانند آب آشامیدنی وووو فقط با سرنگونی انقلابی رژیم پلید جمهوری اسلامی میسر خواهد بود . تمام جناحها و ارگانهای حاکمیت در یک چیز با هم متحدند، حفظ جمهوری اسلامی و سرکوب هر حرکت اعتراضی که بقاء آن را تهدید کند و در وقایع ماههای اخیر به خوبی آن را نشان دادند . باید متحد و یکپارچه با گسترش تظاهرات و برپایی اعتصابات گسترده و سراسری حاکمیت را فلج کنیم .

اینک رژیم در ضعیفترین شرایط اقتصادی و سیاسی عمر خود قرار گرفته ، تنها راه تحقق همه مطالبات، اعتراضات گسترده خیابانی و اعتصاب عمومی و تعرض به بنیانهای اقتصادی و سیاسی رژیم است . برچیدن بساط این رژیم فاسد و جنایتکار و بدست گرفتن قدرت توسط کارگران و زحمتکشان تنها راه رهایی از گرسنگی و فقر و بیخانمانی و استبداد است .

و این ممکن نیست جز با متشکل شدن و پیوند خوردن با کمیته ها و هسته های نیروهای انقلابی در شهرها و محلات و با سازماندهی و متمرکز عمل کردن . اینک زمان سازمانیابی و برخوردن فرارسیده است.

ما سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی را که نماد کاملی از نظام فاسد و سود جوی سرمایه داری است ، و استقرار حاکمیت کارگران و زحمتکشان و تهیدستان را تنها اولویت خود میدانیم و در این جهت با تمام توان و پا به پای توده ها میجنگیم . بمنظورسازمانیابی و مبارزه برای اهدافی مشخص به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست بپیوندید.

رفقا و مبارزین راه آزادی و برابری ، نشریه « راه سرخ » صدای بی صدایان و منعکس کننده مبارزات کارگران و زحمتکشان و فعالین کمونیست داخل کشور میباشد. از طریق ایمیل های زیر گزارشات و مشاهدات عینی خود را در موارد مختلف که می باید بازتاب یابد از سراسر کشور برای ما ارسال کنید و با نظرات و پیشنهادات ارزشمند و انتقادات سازنده خود ما را در بالا بردن کیفیت نشریه و انجام وظایف انقلابی مان یاری رسانید.

**Rah_sorkh@yahoo.com
Tehran@fedayi.org**

کارگران پیشرو و مبارز!

با سازماندهی کمیته های مخفی کارخانه. هسته های سرخ و با تلفیق فعالیت علنی و مخفی به توده کارگران در جهت ایجاد شکل های مستقل و تحقق خواستهای فوری شان یاری رسانید.

آخرین اطلاعیه ها . نشریات و اسناد سازمان اتحاد فدائیان کمونیست را در سایت <https://fedayi.org> و همچنین کانال تلگرامی <https://t.me/fedayi1349> دریافت کنید .

تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

روابط عمومی سازمان
webmaster@fedayi.org
کمیته آذربایجان
azar@azarfedayi.org
کمیته تهران
Tehran@fedayi.org
کمیته کرج
karaj@fedayi.org
کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org

کار، مسکن، آزادی ، جمهوری فدراتیو شورائی!